

## تحلیل آماری پای‌گاه اجتماعی زنان شاه‌نامه

سمیه بخشنده زحمتی

\*

### چکیده

زنان نیمی از پیکره هر اجتماع را در همه ادوار تشکیل می‌دهند که در مورد مقام آنان و جای‌گاه و پای‌گاه اجتماعی در همه حوزه‌ها اعم از علوم مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ارتباطات و... از جمله حوزه ادبیات هم‌چنان جای مطالعه و بررسی وجود دارد.

پژوهش حاضر با هدف «شناخت پای‌گاه اجتماعی زنان شاه‌نامه» تلاشی آکادمیک است برای پاسخ به پرسش‌های زیر:

- زنان عصر ساسانی در اثر ماندگار شاه‌نامه چه پای‌گاه اجتماعی داشته‌اند؟

- کدام زنان از پای‌گاه اجتماعی بالاتر برخوردار بوده‌اند؟

- دیدگاه فردوسی (شاعر بنام عرصه ادبیات) به عنوان مرد جامعه مردسالارانه

قرن ۴ و ۵ به مقام زن و جای‌گاه او چگونه بوده است؟

جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل همه زنان شاه‌نامه، اعم از زنان بنام و نقش‌آفرین و اثرگذار، زنان کم‌تأثیر با نقش‌آفرینی اندک و کم‌رنگ، ایزدبانوها و نیز زنان جادوست. جهت دقت افزون تحقیق و نیز ارائه مطالعه علمی نو، از میان جمعیت آماری، دو گروه «زنان ایرانی و غیرایرانی»، به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند.

(تاکنون پژوهشی در حوزه ادبیات بویژه در زمینه موضوعات شاه‌نامه و جای‌گاه

زن با این نمونه آماری، انجام نشده است.)

مقوله پای‌گاه اجتماعی به عنوان تنها متغیر پژوهش با دو مؤلفه «اعتبار اجتماعی

- مشورت‌خواهی» مورد مطالعه و بررسی در خصوص نمونه آماری، قرار گرفته است. پس از گردآوری مطالعات و داده‌ها از طریق اسنادی - کتاب‌خانه‌ای، یافته‌های حاصل با استفاده از تکنیک «تحلیل محتوا» مورد ارزیابی و تحلیل و تفسیر قرار گرفته است و در پایان، محقق به یک نتیجه‌گیری نهایی دست یافته است و آن این‌که:

---

\* کارشناس ارشد رشته مطالعات زنان، دانش‌گاه آزاد اسلامی - واحد رودهن، دانش‌کده علوم اجتماعی، رودهن، ایران.

هر دو گروه زنان ایرانی و غیر ایرانی با وجود جامعهٔ مردسالار عصر ساسانی «در قرن ۴ و ۵ هجری» دارای پای‌گاه اجتماعی نسبتاً خوب و بالا بوده‌اند، با ذکر این نکته که: زنان با ملیت‌های غیرایرانی در مقولهٔ پای‌گاه اجتماعی در مرتبه‌ای بالاتر نسبت به زنان ایرانی قرار داشتند و از پای‌گاه اجتماعی بالاتر برخوردار بوده‌اند. کوتاه سخن آن‌که؛ زنان شاه‌نامهٔ فردوسی دارای پای‌گاه اجتماعی بالا و مناسب بوده‌اند.

### کلید واژه

اعتبار اجتماعی - پای‌گاه اجتماعی - زن - شاه‌نامه - مشورت‌خواهی - ملیت (ایرانی و غیرایرانی).

### مقدمه

بحث پیرامون مقام و ارزش اجتماعی زن و پای‌گاه اجتماعی وی چیزی بدیع و تازه نیست، چه از دوران‌های گذشته دانش‌مندان و متفکران در این باره به سخن نشست‌اند و مطالبی را موافق یا مخالف مطرح و در کتب و مقالات متعدد برشته‌ تحریر در آورده‌اند و با تعریف و تمجید یا به عکس خرده‌گیری و سرزنش، نظرهای خود را ابراز داشته‌اند. هدف در این مقال بیان مقام زن و صرفاً برشمردن صفات و خصایل او نیست و قرار نیست درباره‌ی موجودی که تقریباً نیمی از جمعیت هر یک از کشورهای جهان را تشکیل می‌دهد صحبت شود، بلکه کنکاشی است در نامه‌ی باستان حکیم طوس و بیان آرای این حکیم درباره‌ی پای‌گاه اجتماعی زنان که با آوردن شاهدمثال‌هایی تنظیم شده است.

شاید در محدوده‌ی ملل فارسی‌زبان (ایرانی - تاجیک و افغان) و آنان که با زبان و ادب پارسی آنسی دیرینه دارند، همگان، بر این امر اتفاق نظر داشته باشند که شاه‌نامه‌ی فردوسی یکی از درخشان‌ترین و اثرگذارترین آثار ادب فارسی است، بویژه قالب حماسی آن بر میزان تأثیر می‌افزاید، چه مخاطب این اشعار و ابیات، مردمی هستند که پهلوانی و جوان‌مردی را یکی از ارزش‌مندترین خصلت‌های اخلاقی بر می‌شمارند. قالب حماسی و اسطوره‌ای شاه‌نامه سبب شده است که بیش‌تر چهره‌هایی که در این کتاب ارزش‌مند نقش اصلی را ایفا می‌کنند، از میان مردان بوده، زنان را هم‌پای مردان راهی به آن نباشد.

- «ولی آیا براستی شاه‌نامه کتابی «مردانه» است؟» -

آیا ردپایی از زنان نام‌آور، جنگاور، شجاع دل، فداکار، وفادار با ایمان و یا شیدا و عاشق نمی‌توان در آن یافت؟!

متأسفانه در سالیان اخیر شاه‌نامه‌ی فردوسی به زاویه رانده شده و شماری اندک از افراد اهل مطالعه این کتاب سترگ را خوانده‌اند، ولی اگر از آنان که این اثر حماسی را خوانده‌اند بخواهید شماری چند از شخصیت‌های شاه‌نامه را نام ببرند، بی‌گمان این اسامی در فهرست آنان جای خواهد داشت: رستم و سهراب، ضحاک و فریدون، سیاوش و اسفندیار و... و اگر بخواهید شماری چند از زنان این کتاب را نام ببرند، شاید تنها به سودابه اشاره کنند که آن هم ممکن است به دلیل پررنگ بودن نقش اغواگرانه‌ی وی در برابر سیاوش باشد.

## طرح مسأله

نقش اجتماعی و پای‌گاه زنان در ایران پیش از ورود آریایی‌ها به این فلات وسیع و گسترده در آثار باستانی ثبت شده است.

در دوران ساسانی زنان در جامعه و خانواده، پای‌گاه‌های اجتماعی مختلف داشتند. حقوق آنان در این دوره قابل توجه بود. حتی برخی از زنان دوره ساسانی به مقام فرمان‌روایی نیز دست یافتند؛ از جمله زنان بلندپایه‌ای چون: دینگ، شاپور دخت، پوران‌دخت، آذرمدخت و... که در شمار زنان پرآوازه و قدرت‌مند این دوره‌اند.

بطور کلی در جامعه ایران دو دیدگاه در مورد «زن» وجود داشته است:

۱- دیدگاهی که زن را به عنوان انسان برابر مرد می‌داند.

۲- دیدگاهی که به او به عنوان «جنس دوم» می‌نگرد.

دیدگاه دوم تا اوایل قرن بیستم طلایه‌دار بوده، ریشه در سنت‌ها و وضعیت موجود در جامعه ایران داشته و گاهی هم جنبه مذهبی بخود گرفته و عوامل ساختاری و موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی نیز در پیدایش این نوع ذهنیت نسبت به زن دخیل بوده است. این شرایط خود عللی را به شرح ذیل بوجود می‌آورد که برتری پسر را نسبت به دختر تقویت می‌کرد.

الف) پسر می‌توانست باعث استمرار نسل و اصالت خانواده شود.

ب) بازو و هم‌کار پدر در کارها باشد.

ج) در نزاع‌های قبیله‌ای و قومی و جنگ‌ها مدافع خانواده باشد.

د) جانشین پدر و سرپرست خانواده پس از مرگ پدر باشد.

اما در عوض عکس همین شرایط، زمینه را برای این تصور غلط که دختر نسبت به پسر، جنس دوم و موجودی پست شمرده می‌شود، فراهم می‌کرد و این عوامل متأسفانه هنوز هم فکر غالب برخی جوامع است. دیدگاهی که نسبت به زن به عنوان انسان می‌نگرد، عمدتاً از عصر مشروطه و شرکت آرام آرام زنان در تحولات اجتماعی ایران رو به رشد گذاشته است. این دیدگاه باعث شده تا جامعه درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال برآید که: «زنان کیستند و چه باید کرد؟» فرهنگ ایرانی، میراث ماندگار آثار مکتوب و غیرمکتوبی است که نسل به نسل منتقل شده و گویای نوع نگرش شاعران و فرهیختگان ایرانی به عناصر اجتماعی از جمله «زن» است، اما چهره زن ایرانی در فرهنگی با چنین قدمت چگونه بتصویر کشیده شده است؟

زن به هیچ عنوان موجودی خوارمایه نیست. چنین برمی‌آید که سمت و سوی

فرهنگ حاکم بر کشور و منطقه در روزگار ایران باستان به جهتی بوده است که به زن

امکان بروز لیاقت‌ها و شایستگی‌ها داده شده است. اگر چه به نوعی رنگ و بوی فرهنگ مردسالاری دیده می‌شود، اما مردسالاری امری مطلق بشمار نمی‌رفته است. در جای جای شاه‌نامه «زن» هم‌چون پرنده‌ای بزرگ برای مردان و سرچشمه الهام آنان توصیف شده است.

زنانی در شاه‌نامه مورد توصیف قرار می‌گیرند که هم‌چون فرانک، مادر فریدون هستند، نمونه‌ای درخشان از سیمای لطیف و شریف و مقتدر زنانه... او فرزند شیرخوار خود را در گریزهای پیاپی از چنگ روزبانان ضحاک می‌رهاند.

«گردآفرید» زنی بی‌مانند است که همه ویژگی‌های یک زن پاک و دلیر را داراست. او عصاره زن ایرانی است که به اصالت و هویت فرهنگ خود پای‌بند است.

«رودابه» سمبل جسارت و بی‌پروایی در عشق است، زنان ستایش‌شده در شاه‌نامه از پای‌گاه اجتماعی زن در جامعه ایرانی سخن می‌گویند و گامی آنسوی مرزهای اخلاقی و فرهنگی نمی‌گذارند و این نکته بیان‌گر توجه خاص فردوسی به مقام و منزلت ارزش‌مندی است که زن باید داشته باشد.

نقش حقیقی زنان در شاه‌نامه تا بدان‌جاست که زن فردوسی در تدوین شاه‌نامه با شوهرش هم‌کاری داشته و بسیاری از متن‌ها را برای فردوسی از زبان پهلوی ترجمه کرده است. صحبت اصلی ما درباره پای‌گاه اجتماعی زن در شاه‌نامه است که نشان از نوع و فرهنگ و روی‌کرد جامعه آن‌روز به مسئله زنان دارد.

فردوسی در جای جای شاه‌نامه از دلاوری‌ها و هوشیاری‌ها، بویژه در ارتباط با زنان سخن بمیان آورده است و آنان را هم‌پای مردان وارد اجتماع نموده و مقام و منزلتی والا به زن بخشیده است. نکته دیگر در شاه‌نامه و به استناد آن‌چه حکیم طوس به قالب شعر ریخته، زن در آن روزگار موجودی خانه‌نشین صرف نبوده است که در آن انزوای تحمیلی، بسیاری از استعدادها، شایستگی‌ها و سرمایه‌هایی که خداوند مانند مرد در وجودش به ودیعه گذاشته، محروم بماند.

بی‌تردید با تمام گفته‌هایی که تاکنون پیرامون شاه‌نامه فردوسی شنیده و خوانده‌ایم باز هم میزان ناگفته‌ها و ناشنوده‌ها در این اثر بزرگ از آن حکیم فرزانه سنگینی بیش‌تر دارد. در این مقال (پژوهش) در پی شناخت پای‌گاه اجتماعی زنان شاه‌نامه هستیم و در حقیقت سؤال آغازین و اصلی این پژوهش این است که:

– پای‌گاه اجتماعی زنان در شاه‌نامه چیست؟!

و به دنبال این پرسش اصلی، سؤالات فرعی دیگر مطرح است که بر آن هستیم تا در این پژوهش به آن‌ها پاسخ دهیم، از جمله این‌که:

- پای‌گاه اجتماعی زنان غیر ایرانی سایر جوامع از جمله توران‌زمین، زنان سرزمین رم، هند و... چگونه بوده است؟  
- آیا پای‌گاه اجتماعی زنان ایرانی از سایر زنان (غیرایرانی) بالاتر بوده است یا خیر؟

- زنان عهد ساسانی در ایران‌زمین چه پای‌گاه اجتماعی داشته‌اند؟

### پای‌گاه اجتماعی زن

تلاش برای آگاهی از هویت زن، به عنوان انسانی که در ساختار حیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بشر در تاریخ و گستره پیش از آن تأثیری ارزنده دارد، نه در تبیین شخصیت نیمی از پیکره انسانی جامعه است که در ایجاد توان‌مندی‌های زن در رویارویی با جهان امروز، تأثیری مطلوب دارد.

پژوهش در مورد زنان و جست و جوی هویت آنان در هزارتوی تاریخ و پیش از آن، به منظور شناسایی تأثیر موازی و هم‌سوی تکاملی این دو مخلوق برتر خدا - که انسان نامیده می‌شوند - در پی‌ریزی و ایجاد فرهنگ و تمدن بشری است.<sup>۱</sup>

در بهار ۱۹۴۹ میلادی جمعی از باستان‌شناسان، برای نخستین بار در ایران، آثار بجا مانده انسان پیش از تاریخ را در حفاری غاری در «تنگ بیده» واقع در کوه‌های بختیاری تشخیص دادند. بر پایه این آثار، مقام و موقعیت زن را هم‌زمان با دورانی که انسان پیش از تاریخ در غار «تنگ بیده» می‌زیسته است چنین اعلام کردند: در جامعه بدوی وظیفه‌ای مخصوص به عهده زن گذاشته شده بود: نگهبان آتش بود، اختراع‌کننده و سازنده ظروف سفالی و چوب بدست در کوه‌ها به جست‌وجوی ریشه‌های خوردنی نباتات در جمع‌آوری میوه‌های وحشی می‌پرداخت.

شاید همین امر اساس بعضی جوامع نخستین را که در آن‌ها زن بر مرد برتری یافته بود، تشکیل داد. در چنین جوامعی زن، کارهای قبیله را اداره می‌کرد و به مقام روحانیت می‌رسید و در عین حال زنجیر خانواده به وسیله سلسله زنان اتصال می‌یافت.<sup>۲</sup>

### نگاهی به پای‌گاه اجتماعی زن در جامعه ایرانی

به لحاظ تاریخی در حدود سه هزار سال ق - م، آریایی‌ها از محل سکونت خود به سوی سرزمین ایران که دارای ساکنانی بومی بود، مهاجرتی طولانی را آغاز کردند. از همان هنگام زندگیشان از راه گله‌داری می‌گذشت و دارای لهجه‌ای آریایی بودند. آثار برجای مانده دهنده آن است که دو قبیله ایرانی «ماد» و «پارس» در این سرزمین

ساکن گردیدند، این دو قبیله زمانی را به درگیری و زد و خورد پرداختند و مادها در غرب پیروزی‌هایی بدست آوردند. در میان مادها، ویژگی‌های پدرشاهی وجود داشت. جامعه آنان نخست از عشیره‌های پدرشاهی تشکیل می‌شد و رؤسای عشیره رفته رفته به صورت اشراف و طبقه حاکمه درآمدند.<sup>۳</sup>

پایه‌های دولت ماد که بر اتحادیه‌های قبیله‌ای استوار بود با ظهور کوروش و ایجاد دولت هخامنشی توسط پارسی‌ها سست شده و جامعه به سوی تفکیک طبقاتی رفت. با پیدایش این دگرگونی در نهاد خانواده نیز به عنوان کوچک‌ترین واحد جامعه و نیز در نقش و پای‌گاه اجتماعی زن تغییراتی پدید آمد.<sup>۴</sup>

«در زمان زرتشت، زنان - همان‌گونه که رسم پیشینیان بود - منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و با رویی گشاده در میان مردم آمد و رفت می‌کردند و صاحب ملک و زمین می‌شدند و در آن تصرفات مالکانه داشتند.»<sup>۵</sup>

پس از یک دوره حکومت اشکانی، پارس‌ها دولتی جدید به نام «ساسانیان» تأسیس کردند که در این دوره جامعه ایرانی بر دو رکن خون و مالکیت استوار بود. در چنین نظامی حکمرانان و اشراف، از حقوق کامل برخوردار بودند، در حالی که طبقات دیگر اجتماعی، بویژه زنان در متن جامعه، بی‌بهره از آن امکانات بوده و حقوق چندانی نداشتند. در این دوره زنان مانند شیء تلقی می‌شدند و تقریباً جزو بردگان بشمار می‌آمدند. نظام چند زنی در جامعه و بویژه در میان اشراف حاکم بود.

در دوره ساسانی ۵ نوع ازدواج رواج داشت که از آن‌ها به نام پادشاه زن، چاکر زن، ایوک زن، سترزن و خود سرزن یاد شده است.

پادشاه زن یا زن ممتاز و سوگلی، دختری بود با ظاهری هم‌طبقه با مرد، او با رضایت پدر و مادر ازدواج می‌کرد و زن اول و کدبانوی خانه و دارای حقوقی در ارث و مالکیت بود.

- اما چاکر زن، معمولاً در طبقه‌ای پایین‌تر از آن‌چه مرد بود قرار داشت و زن دوم و در خدمت پادشاه.

- سترزن نیز نوعی دیگر بود و هرگاه مرد جوانی می‌مرد در غیابش مراسم ازدواجی برایش ترتیب می‌دادند.

- خود سرزن نیز، دختری بود که بدون کسب رضایت پدر و مادر تن به ازدواج با مردی می‌داد و از حقوق اجتماعی نیز محروم می‌گشت.

سرانجام پایه‌های چنان نظام کاستی و طبقاتی با وجود احتکار زنان، طلاها و نقره‌ها با همه گام‌های پرجاه و جلال و حرم‌سرا متزلزل گردید و با ورود مسلمانان که نوید برابری و برادری می‌دادند فرو پاشید.<sup>۶</sup>

### جای‌گاه زن در شاه‌نامه

در میان ادبیات منظوم گذشته «شاه‌نامه» تنها کتابی است که زن: نقش اساسی در آن ایفا می‌کند. در شاه‌نامه زندگی زنانی را می‌خوانیم که تأثیری شگرف و عجیب در ایجاد بعضی از وقایع و حوادث دارند. در شاه‌نامه به جز چند مورد جزئی، شاهد فعالیت گسترده «زن» هستیم و با توجه به جامعه مردسالاری آن دوره، توجهی این‌چنینی به زن [و مادر] بسیار جالب بنظر می‌رسد. زن در شاه‌نامه مقامی بلند و ارج‌مند دارد و در جای‌گاه آن، ستایش می‌شود.<sup>۷</sup>

زن نیز در شاه‌نامه همانند دیگر مظاهر انسانی آن کتاب، والایی و کمال دارد و تصویر شخصیت او تحت الشعاع امیال و افراد داستان نیست.<sup>۸</sup>

زن در شاه‌نامه یا برگزیده‌ای است از ویژگی‌های نیک و آرمانی که نقش زنی محبوب را داراست و یا چکیده‌ای است از همه ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها که نقش زنی منفور را دارد. فاصله دو نمونه زن محبوب و زن منفور نیز با وجود زنانی که نقش فرعی مثبت یا منفی دارند پر می‌شود.<sup>۹</sup>

زن نژاده ایرانی در تمام شاه‌نامه یک تصویر بیش ندارد و صفات او نیز متعالی است. منتها احتمالاً با شدت و ضعف در افراد:

همیشه زیباست، کمال خلقت است. آخته قد، مُشک موی، کمان ابرو، کمند گیسو، سیمین قلم، غنجراب، گل‌رخ، سیم ساق، سیمین ساعد، نرم اندام است و بهشتی است پُر از رنگ و بوی با صفا، وفادار، مهربان، خویش‌دار، خردمند و پارساست و با پاکی سرشته.<sup>۱۰</sup>

در کتاب شاه‌نامه، چهره زنان روشن و پاک است، سرشار از فداکاری و گذشت، پر از پند و نصیحت. نمی‌توان نقش زن را در این اثر عظیم نادیده گرفت.<sup>۱۱</sup>

لازم به ذکر است که درباره زن، استاد سخن: فردوسی، یا به اقتضای موضوع اظهار نظر کرده، یا از زبان قهرمان داستان سخن رانده است. به همین جهت است که گاهی زن مقام و منزلت فرشتگان را دارد و مظهر خوش‌بختی به صورت زن نشان داده می‌شود و در دوراندیشی و پارسایی و عقل و درایت و دلاوری و تیزهوشی هم‌چون مردان مورد ستایش قرار می‌گیرد.<sup>۱۲</sup>



ز پـاکـی و از پارسـایی زن	که هم غم‌گسار است و هم رای‌زن <sup>۱۳</sup>
گران‌مایه زن را به درگاه خوانند	به نامه‌ ورا افسر ماه خوانند
زن شـیر از نامـه شـهریار	چو رخسند گل شد به وقت بهار <sup>۱۴</sup>
بدو گفت رای تو ای شیرزن	درخشان کند دوده و انجمن <sup>۱۵</sup>

زنان شاه‌نامه همه جا وفادار و پاک‌دامن و علاقه‌مند به شوهران خود هستند و در غم و شادی آنان شریک و دم‌ساز. در شاه‌نامه به‌ترین زن آن است که هم‌سر از او خندان و شادمان باشد و خانه، به او آراسته و دارای شرم، و روی و موی او زیبا باشد.<sup>۱۶</sup>

بهبین زنان جهان آن بود کزو شوی همواره خندان بود<sup>۱۷</sup>

زنان شاه‌نامه، خوبی خاص خود را دارند، سعادت خویش را در سعادت مردان خود می‌دانند. در عین پارسایی و بی‌ادعایی بسیاری از آنان، هم‌راه با شوهران و فرزندان خود، مردانه در راهی گام بر می‌دارند که باید به پیروزی نیکی بر بدی منتهی گردد.<sup>۱۸</sup>

اکثر زنان شاه‌نامه، نمونه بارز زن تمام‌عیار هستند. در عین برخورداری از فرزاندگی، بزرگ‌منشی و حتی دلیری، از جوهر زنانه به نحو سرشار نیز بهره‌مندند. زنانی چون: سیندخت، رودابه، تهمینه، فرنگیس، جریره، منیژه، گردآفرید و گردیه، کتایون، شیرین، هم عشق‌برانگیزند و هم مورد احترام؛ هم زیبایی بیرونی دارند و هم زیبایی درونی.<sup>۱۹</sup>

### روش تحقیق در پژوهش حاضر

با توجه به موضوع پژوهش حاضر که تلفیقی از حوزه علوم اجتماعی و حوزه ادبی است، در حقیقت این پژوهش از انواع مطالعات توصیفی بوده که هدف محقق در انجام آن توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است. از این‌رو پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک «تحلیل محتوا» با هدف «شناخت پای‌گاه اجتماعی زن در شاه‌نامه» بر اساس مقولات (اعتبار اجتماعی - مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او) که در نظر گرفته شده است - به بررسی مطالب موجود در بخش‌های انتخاب شده از جمعیت آماری می‌پردازد. در حقیقت در این پژوهش مقوله‌ها بصورت مفهومی درآمده و مورد شمارش قرار گرفته است.

تنها متغیر، «پای‌گاه اجتماعی» است که آن را به مقوله‌های کوچک‌تر و به دو مؤلفه تقسیم‌بندی کردیم:

۱- اعتبار اجتماعی

۲- مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او

در پژوهش حاضر که دو مؤلفه اعتبار اجتماعی و مشورت‌خواهی، پایه و اساس کار پژوهنده برای تعیین پای‌گاه اجتماعی زنان بوده است، شاخصه‌هایی نیز درون ابیات و داستان‌ها یافت شد. این شاخصه‌ها که از نظر پژوهنده مربوط به هر یک از دو مؤلفه است که به شرح زیر معرفی می‌گردد:

### شاخصه‌های اعتبار اجتماعی

- پاک‌دامنی
- سخن‌وری
- ایثار و فداکاری
- صبوری و بردباری (ایستادگی و مقاومت)
- خردمندی و فرزانیگی
- تدبیر و چاره‌اندیشی
- خردمندی و فرزانیگی
- تدبیر و چاره‌اندیشی
- فراست و زیرکی
- قدرت تصمیم‌گیری (اختیار و اراده)
- استقلال
- سلطنت و فرمان‌روایی (قدرت اجتماعی)
- جسارت و بی‌باکی
- وفاداری
- شجاعت و دل‌آوری
- نیرومندی
- ادب و فروتنی
- اقتدار
- هوش‌مندی و درایت
- استفاده ابزاری از زن (در بعد منفی اعتبار)
- خودخواهی یا غرور (در بعد منفی اعتبار)
- دسیسه‌چینی

## شاخصه مشورت خواهی

### پند و اندرزدهی

نکته‌ای دیگر که ذکر آن ضروری بنظر می‌رسد، آن است که: با توجه به عنوان پژوهش و ضرورت و اهمیت آن در جامعه امروز، بویژه برای اهداف کاربردی، به‌تر دیده شد که در نهایت، انتخاب نمونه آماری از دو گروه خاص استفاده شود؛ یعنی زنان ایرانی و زنان غیرایرانی موجود در داستان‌های شاهنامه، به عنوان حجم نمونه آماری در نظر گرفته شود.

جمعیت آماری این پژوهش، همه زنان شاهنامه اعم از آنانی که نام‌دار و نقش‌آفرین بوده و دارای شهرتی بالا بوده‌اند و نیز زنانی که تنها از آن‌ها یاد شده و در حقیقت جزو زنان بی‌نام شاهنامه خوانده می‌شوند و سخن بسیار کم از آن‌ها بمیان آمده است، زنان ایرانی، غیرایرانی، کنیزان و حتی زنان جادو است.

۱۷ نفر از زنان ایرانی و ۱۷ نفر از زنان غیرایرانی، نمونه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند که به خودی خود با این مجموعه، ۳۲ نفر زنانی که عنوان نقش‌آفرینان تأثیرگذار و بنام شاهنامه را بخود اختصاص داده‌اند، در این نمونه آماری قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصد مقوله پایگاه اجتماعی زنان ایرانی و غیرایرانی در شاهنامه

عنوان	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
پایگاه اجتماعی زنان ایرانی در شاهنامه	۹۱	۴۱/۵۵	۱۴	۴۲/۴۲
پایگاه اجتماعی زنان غیرایرانی در شاهنامه	۱۲۸	۵۸/۴۵	۱۹	۵۷/۵۸
تعداد کل	۲۱۹	۱۰۰	۳۳	۱۰۰

### توضیح

همان‌طور که ارقام جدول نشان می‌دهد ۴۱/۵۵٪ از زنان ایرانی شاهنامه دارای پایگاه اجتماعی بالا و مثبت هستند، در حالی که این درصد در زنان غیرایرانی به ۵۸/۴۵٪ افزایش یافته است.

در میان زنان ایرانی ۴۲/۴۲٪ از پایگاه اجتماعی پایین برخوردار بوده و ۵۷/۵۸٪ از زنان غیرایرانی نیز دارای پایگاه اجتماعی پایین هستند.

پس اعداد در هر دو گروه (ایرانی - غیرایرانی) نشان‌دهنده این مهم است که زنان آن عصر از پایگاه اجتماعی خوب برخوردار بوده‌اند.

هم‌چنین نتایج این جدول حاکی از آن است که زنان غیرایرانی با فراوانی ۱۲۸، ۵۸/۴۵٪ دارای پای‌گاه اجتماعی بالاتر نسبت به زنان ایرانی با فراوانی ۹۱، ۴۱/۵۵٪ هستند.

**توضیح:** در داستان‌هایی که زن داستان از پای‌گاه اجتماعی بالا و خوب برخوردار بوده است، از آن در فراوانی + یاد شده و هر جا که زن پای‌گاه اجتماعی پایین و ضعیف داشته، به عنوان فراوانی - مورد شماره قرار گرفته است.

### آرزو: دختر ماهیار گوهر فروش

#### الف - مقوله اعتبار اجتماعی

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۲	۱۰۰	۰	۰
کل		۲	۱۰۰	۰	۰

#### ب - مقوله مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او		۲	۱۰۰	۰	۰
کل		۲	۱۰۰	۰	۰

#### ج - مقوله پای‌گاه اجتماعی (اعتبار اجتماعی - مشورت‌خواهی)

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۲	۵۰	۰	۰
مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او		۲	۵۰	۰	۰
کل		۴	۱۰۰	۰	۰

ارنواز: دختر جمشید

الف - مقوله اعتبار اجتماعی

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۱	۲۰	۰	۰
- پاکدامنی		۲	۴۰	۰	۰
- پوشیده‌رویی		۱	۲۰	۰	۰
- سخن‌وری		۱	۲۰	۰	۰
- قدرت تصمیم‌گیری (اختیار و اراده)		۰	۰	۱	۱۰۰
کل		۵	۱۰۰	۱	۱۰۰

نکته: در جدول الف مقوله اعتبار اجتماعی به مقوله‌های جزئی‌تر تقسیم‌بندی شده است؛ با توجه به مضامین ابیات داستان.

ب - مقوله مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او		۰	۰	۱	۱۰۰
کل		۰	۰	۱	۱۰۰

ج - مقوله پایگاه اجتماعی (اعتبار اجتماعی - مشورت‌خواهی)

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۵	۱۰۰	۱	۵۰
مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او		۰	۰	۱	۵۰
کل		۵	۱۰۰	۲	۱۰۰

شهرناز: دختر جمشید

الف - مقوله اعتبار اجتماعی

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۱	۲۵	۰	۰
- پاکدامنی		۱	۲۵	۰	۰
- پوشیده‌رویی		۱	۲۵	۰	۰
- سخن‌وری		۱	۲۵	۰	۰
- قدرت تصمیم‌گیری (اختیار و اراده)		۰	۰	۱	۱۰۰
کل		۴	۱۰۰	۱	۱۰۰

نکته: در جدول الف مقوله اعتبار اجتماعی به مقوله‌های جزئی‌تر تقسیم‌بندی شده است؛ با توجه به مضامین ابیات داستان.

ب - مقوله مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او		۰	۰	۱	۱۰۰
کل		۰	۰	۱	۱۰۰

ج - مقوله پای‌گاه اجتماعی (اعتبار اجتماعی - مشورت‌خواهی)

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۴	۱۰۰	۱	۵۰
مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او		۰	۰	۱	۵۰
کل		۴	۱۰۰	۲	۱۰۰

شیرین: دختر مهین بانو همسر خسرو پرویز

الف - مقوله اعتبار اجتماعی

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۰	۰	۰	۰
- جسارت و بی‌باکی		۳	۲۵	۰	۰
- پاک‌دامنی		۳	۲۵	۰	۰
- خودخواهی و غرور		۰	۰	۱	۱۰۰
- فراست و زیرکی		۳	۲۵	۰	۰
- آینده‌نگری و اندیش‌مندی		۱	۸/۳۳	۰	۰
- وفاداری به همسر		۲	۱۶/۶۷	۰	۰
کل		۱۲	۱۰۰	۱	۱۰۰

نکته: در جدول الف مقوله اعتبار اجتماعی به مقوله‌های جزئی‌تر تقسیم‌بندی شده است؛ با توجه به مضامین ابیات داستان.

ب - مقوله مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او		۰	۰	۰	۰
کل		۰	۰	۰	۰

ج - مقوله پای‌گاه اجتماعی (اعتبار اجتماعی - مشورت‌خواهی)

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۱۲	۱۰۰	۱	۱۰۰
مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او		۰	۰	۰	۰
کل		۱۲	۱۰۰	۱	۱۰۰

تہمینہ: دختر شاہ سمنگان

الف - مقولہ اعتبار اجتماعی

مقولہ	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۱	۱۲/۵	۰	۰
- جسارت و بی باکی		۱	۱۲/۵	۰	۰
- پاک دامنی		۲	۲۵	۰	۰
- سخن وری		۱	۱۲/۵	۰	۰
- ایثار و فداکاری		۱	۱۲/۵	۰	۰
- بردباری و صبوری		۱	۱۲/۵	۰	۰
- خردمندی و فرزانیگی		۱	۱۲/۵	۰	۰
کل		۸	۱۰۰	۰	۰

ب - مقولہ مشورت خواهی از زن و رأی و نظر او

مقولہ	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
مشورت خواهی از زن و رأی و نظر او		۱	۱۰۰	۰	۰
کل		۱	۱۰۰	۰	۰

ج - مقولہ پای گاہ اجتماعی (اعتبار اجتماعی - مشورت خواهی)

مقولہ	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۸	۸۸/۸۸	۰	۰
مشورت خواهی از زن و رأی و نظر او		۱	۱۱/۱۱	۰	۰
کل		۹	۱۰۰	۰	۰



جریره: دختر پیران ویسه، همسر سیاوش مادر فرود

الف - مقوله اعتبار اجتماعی

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۲	۳۳/۳۳	۰	۰
- تدبیر و چاره اندیشی		۱	۱۶/۶۶	۰	۰
- خردمندی و فرزانیگی		۲	۳۳/۳۳	۰	۰
- جسارت و بی باکی		۱	۱۶/۶۶	۰	۰
کل		۶	۱۰۰	۰	۰

ب - مقوله مشورت خواهی از زن و رأی و نظر او

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
مشورت خواهی از زن و رأی و نظر او		۲	۴۰	۰	۰
- پند و اندرزگویی		۳	۶۰	۰	۰
کل		۵	۱۰۰	۰	۰

ج - مقوله پایگاه اجتماعی (اعتبار اجتماعی - مشورت خواهی)

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۶	۵۴/۵۴	۰	۰
مشورت خواهی از زن و رأی و نظر او		۵	۴۵/۴۵	۰	۰
کل		۱۱	۱۰۰	۰	۰

سیندخت: زن مہراب کابلی

الف - مقولہ اعتبار اجتماعی

مقولہ	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۳	۲۱/۴۲	۰	۰
- خردمندی و فرزانیگی		۴	۲۸/۵۷	۰	۰
- فراست و زیرکی		۳	۲۱/۴۲	۰	۰
- سخنوری		۱	۷/۱۴	۰	۰
- تدبیر و چارہ اندیشی		۲	۱۴/۲۸	۰	۰
- نکتہ سنجی		۱	۷/۱۴	۰	۰
کل		۱۴	۱۰۰	۰	۰

ب - مقولہ مشورت خواہی از زن و رأی و نظر او

مقولہ	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
مشورت خواہی از زن و رأی و نظر او		۲	۱۰۰	۰	۰
کل		۲	۱۰۰	۰	۰

ج - مقولہ پای گاہ اجتماعی (اعتبار اجتماعی - مشورت خواہی)

مقولہ	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۱۴	۸۷/۵	۰	۰
مشورت خواہی از زن و رأی و نظر او		۲	۱۲/۵	۰	۰
کل		۱۶	۱۰۰	۰	۰

جدول شماره ۲: فراوانی و درصد مقوله‌های «اعتبار اجتماعی - مشورت‌خواهی از زن» زنان ایرانی به تفکیک

ردیف	اسامی زنان ایرانی	مقوله اعتبار + فراوانی	درصد	مقوله مشورت + فراوانی	درصد	مقوله اعتبار - فراوانی	درصد	مقوله مشورت - فراوانی	درصد
۱	آرزو	۲	۲/۴۷	۲	۲۰	۰	۰	۰	
۲	آزاده	۰	۰	۱	۱۰	۰	۱	۱۶/۶۷	
۳	آزرم دخت	۲	۲/۴۷	۰	۰	۰	۰	۰	
۴	ارنواز	۵	۶/۱۷	۰	۰	۱	۱۲/۵	۱۶/۶۷	
۵	شهرناز	۴	۴/۹۴	۰	۰	۱	۱۲/۵	۱۶/۶۷	
۶	پوراندخت	۳	۳/۷۰	۰	۰	۰	۰	۰	
۷	دختران آسیابان	۱	۱/۲۳	۰	۰	۲	۲۵	۱۶/۶۷	
۸	دختران برزین	۰	۰	۰	۰	۳	۳۷/۵	۱۶/۶۷	
۹	روشنک	۳	۳/۷۰	۱	۱۰	۰	۰	۰	
۱۰	شیرین	۱۲	۱۴/۸۱	۰	۰	۱	۱۲/۵	۰	
۱۱	فرانک	۴	۴/۹۴	۰	۰	۰	۰	۰	
۱۲	گردآفرید	۷	۸/۶۴	۰	۰	۰	۰	۰	
۱۳	گردیه	۱۶	۱۹/۷۵	۵	۵۰	۰	۰	۰	
۱۴	گلنار	۶	۷/۴۱	۱	۱۰	۰	۰	۰	
۱۵	دختر مهرک نوشزاد	۵	۶/۱۷	۰	۰	۰	۰	۰	
۱۶	همای چهرزاد	۸	۹/۸۸	۰	۰	۰	۰	۰	
۱۷	ماه آفرید	۳	۳/۷۰	۰	۰	۰	۰	۱۶/۶۷	
تعداد کل		۸۱	۹۹/۹۸	۱۰	۱۰۰	۸	۱۰۰	۶	۱۰۰

جدول شماره ۳: فراوانی درصد مقوله پای‌گاه اجتماعی زنان ایرانی در وضعیت نهایی

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۸۱	۸۹/۰۱	۸	۵۷/۱۴
مشورت خواهی از زن و رأی و نظر او		۱۰	۱۰/۹۹	۶	۱۴/۸۶
کل		۹۱	۱۰۰	۱۴	۱۰۰

#### توضیح:

نتایج جدول بالا بیان‌گر این واقعیت است که در میان مؤلفه‌های پای‌گاه اجتماعی، مؤلفه اعتبار اجتماعی با فراوانی ۸۱، ۸۹/۰۱٪ در بعد مثبت بیش‌ترین درصد را نسبت به مؤلفه مشورت‌خواهی با فراوانی ۱۰، ۱۰/۹۹٪ بخود اختصاص داده است؛ یعنی زنان ایرانی با پای‌گاه اجتماعی ۹۱ در مؤلفه اعتبار اجتماعی دارای بیش‌ترین فراوانی و درصد هستند. به این معنی که این زنان دارای اعتبار اجتماعی بسیار خوب بوده‌اند، در حالی که در مؤلفه مشورت‌خواهی از جای‌گاه خوب برخوردار نبوده‌اند، بلکه جای‌گاهی پایین داشته‌اند و همه این نتایج، این را می‌رساند که رأی و نظر آنان زیاد حایز اهمیت نبوده است.

جدول شماره ۴: فراوانی و درصد مقوله‌های «اعتبار اجتماعی - مشورت‌خواهی از زن» زنان غیرایرانی به تفکیک

ردیف	اسامی زنان ایرانی	مقوله اعتبار + فراوانی	درصد	مقوله مشورت + فراوانی	درصد	مقوله اعتبار - فراوانی	درصد	مقوله مشورت - فراوانی	درصد
۱	اسپنوی	۱	۰/۸۷	۰	۰	۰	۰	۱	۱۰
۲	تهمینه	۸	۶/۹۶	۱	۷/۶۹	۰	۰	۰	۰
۳	جریره	۶	۵/۲۲	۵	۳۸/۴۶	۰	۰	۰	۰
۴	دختر خاقان چین	۴	۳/۴۸	۰	۰	۰	۰	۱	۱۰
۵	رودابه	۱۱	۹/۵۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۶	سپینود	۴	۳/۴۸	۱	۷/۶۹	۰	۰	۱	۱۰
۷	سودابه	۹	۷/۸۳	۲	۱۵/۳۸	۵	۱۵/۵۶	۰	۰
۸	سیندخت	۱۴	۱۲/۱۷	۲	۱۵/۳۸	۰	۰	۰	۰
۹	فغستان	۲	۱/۷۴	۰	۰	۰	۰	۳	۳۰
۱۰	فرنگیس	۱۴	۱۲/۱۷	۱	۷/۶۹	۰	۰	۰	۰
۱۱	قیدافه	۱۰	۸/۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۲	کتایون	۹	۷/۸۳	۱	۷/۶۹	۰	۰	۰	۰
۱۳	گلشهر	۴	۳/۴۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۴	مالکه	۱	۰/۸۷	۰	۰	۳	۳۲/۳۳	۰	۰
۱۵	مریم	۴	۳/۴۸	۰	۰	۰	۰	۲	۲۰
۱۶	منیژه	۱۲	۱۰/۴۳	۰	۰	۱	۱۱/۱۱	۰	۰
۱۷	ناهدید	۲	۱/۷۴	۰	۰	۰	۰	۲	۲۰
	تعداد کل	۱۱۵	۱۰۰	۱۳	۱۰۰	۹	۱۰۰	۱۰	۱۰۰

جدول شماره ۵: فراوانی درصد مقوله پای‌گاه اجتماعی زنان غیرایرانی در وضعیت نهایی

مقوله	وضعیت	فراوانی +	درصد	فراوانی -	درصد
اعتبار اجتماعی		۱۱۵	۸۹/۸۴	۹	۴۷/۳۷
مشورت خواهی از زن و رأی و نظر او		۱۳	۱۰/۱۶	۱۰	۵۲/۶۳
کل		۱۲۸	۱۰۰	۱۹	۱۰۰

### توضیح:

نتایج این جدول نشان‌گر این واقعیت است که در میان مؤلفه‌های پای‌گاه اجتماعی، در گروه زنان غیرایرانی شاه‌نامه؛ مقوله اعتبار اجتماعی بالاترین فراوانی ۱۱۵ در بعد مثبت بیش‌ترین درصد، ۹۸/۸۴٪ را داراست، در حالی که مقوله مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او، تنها با فراوانی ۱۳؛ ۱۰/۱۶٪ از کل را بخود اختصاص داده و این مطلب این مهم را می‌رساند که زنان غیرایرانی که دارای پای‌گاه اجتماعی خوب هستند و در مؤلفه اعتبار اجتماعی مقامی بالا دارند، یعنی در این مقوله از اعتبار اجتماعی بسیار خوب برخوردارند، در حالی که در مقوله مشورت‌خواهی، جای‌گاهی بالا ندارند و این نشان می‌دهد که: زنان در آن عصر زیاد مورد مشورت قرار نمی‌گرفته و رأی و نظرشان در تصمیم‌گیری‌ها و امور مختلف حایز اهمیت نبوده یا بسیار اندک بوده است.

جدول شماره ۶: طرح قشر بندی آزمودنی‌ها (پای‌گاه اجتماعی و ملیت زنان)

پای‌گاه اجتماعی	ملیت زنان	ایرانی	غیرایرانی
پای‌گاه بالا (اشراف و شاه‌زادگان)		۶	۱۵
پای‌گاه متوسط		۳	۰
پای‌گاه پایین (کنیزان و...)		۵	۲

جدول شماره ۷: اعتبار اجتماعی و ملیت زنان

غیرایرانی	ایرانی	ملیت زنان
		پای‌گاه اجتماعی
۱۴	۱۱	اعتبار اجتماعی +
۰	۱	اعتبار اجتماعی -
۳	۴	اعتبار اجتماعی + و - (مشترک)

نکته: در میان زنان ایرانی تنها یک نفر (آزاده) در مقوله اعتبار (+ و -) هیچ‌گونه فراوانی ندارد.

جدول شماره ۸: اعتبار اجتماعی و ملیت زنان

غیرایرانی	ایرانی	ملیت زنان
		مشورت‌خواهی
۶	۴	مشورت‌خواهی
۵	۵	مشورت‌خواهی -
۱	۱	مشورت‌خواهی + و - (مشترک)

نکته ۱: در میان زنان ایرانی ۷ تن از آنان در مقوله مشورت‌خواهی (+ و -) هیچ‌گونه فراوانی ندارند.

نکته ۲: ۵ نفر از زنان غیرایرانی در مقوله مشورت‌خواهی (+ و -) هیچ‌گونه فراوانی ندارند. (رودابه، قیدافه، گلشهر، مالکه، منیژه)

## گزارش یافته‌ها

در این فصل با استفاده از اعداد و ارقام حاصل جداول در دو مقوله اعتبار اجتماعی - مشورت‌خواهی، این اعداد را دعوت به سخن‌گفتن می‌کنیم و بصورت تشریحی به توضیح این یافته‌ها می‌پردازیم.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود طبق یافته‌های حاصل در این جدول، ۴۱/۵۵٪ از زنان ایرانی دارای پای‌گاه اجتماعی بالا و مثبت بوده و تنها ۱۴٪ از آنان از پای‌گاه اجتماعی پایین برخوردارند و نیز ۵۸/۴۵٪ از زنان غیرایرانی دارای پای‌گاه اجتماعی بالا و ۱۹٪ از پای‌گاه اجتماعی ضعیف و پایین برخوردارند.

هم‌چنین اعداد این جدول بازگو می‌کنند که زنان غیرایرانی از پای‌گاه اجتماعی بالاتر برخوردارند، زیرا هم در فراوانی + تعدادشان بیش‌تر بوده، که به همان نسبت از درصدی بالاتر (۵۸/۴۵٪) برخوردارند؛ حتی در فراوانی - که تعدادشان بیش‌تر است. (۵۷/۵۸٪ در فراوانی -) که این امر نشان‌دهنده شناخت ارزش و منزلت زنان در ایران باستان است.

در جدول شماره ۲ که توزیع فراوانی و درصد مقوله‌های «اعتبار اجتماعی - مشورت‌خواهی» زنان ایرانی را داریم، ارقام و درصدها بیان‌گر چند واقعیت است:

۱- چند تن از زنان ایرانی مانند: گردیه (۱۹/۷۵٪)، شیرین (۱۴/۸۱٪)، همای چهارزاد (۹/۸۸٪)، گرد آفرید (۸/۶۴٪)، ارنواز (۶/۱۷٪)، دارای بیش‌ترین درصد فراوانی (آن‌هم در مقوله اعتبار +) هستند. اینان دارای شاخصه‌هایی ویژه و خاص هستند که همان شاخصه‌ها سبب احراز اجتماعی مثبت و بالایی برای آنان شده است.

۲- تنها دختران برزین در این گروه هستند که در اعتبار اجتماعی + هیچ‌گونه فراوانی را نداشته و جالب‌تر این‌که در مقوله اعتبار - بیش‌ترین فراوانی و درصد را به خود اختصاص داده‌اند. (۳۷/۵٪)

ارقام در جدول شماره ۳ بیان‌گر این واقعیت است که:

در (مؤلفه) اعتبار اجتماعی، زنان ایرانی دارای بیش‌ترین فراوانی ۸۱، (۸۹/۰۱٪) هستند، در حالی‌که در مؤلفه مشورت‌خواهی از زن و رأی و نظر او، این رقم بسیار ناچیز است با فراوانی ۱۰، (۱۰/۹۹٪) و این امر بخوبی بیان‌گر این نکته مهم است که زنان ایرانی شاه‌نامه در مقوله مشورت‌خواهی در جای‌گاه و مرتبه‌ای بالا نبوده‌اند، بلکه مرتبه‌ای بسیار پایین داشته‌اند، به گونه‌ای که در بسیاری از موارد، مورد مشورت قرار نمی‌گرفته‌اند و رأی و نظر آنان نه تنها مورد احترام و ارزش نبوده بلکه حتی در مورد



مسایل مهم چون ازدواج و انتخاب شوی هم که در مورد خودشان بوده است، مورد مشورت قرار نمی‌گرفته‌اند و نظرشان خواسته نمی‌شده است.

در جدول شماره ۴ که توزیع فراوانی و درصد مقوله‌های اعتبار اجتماعی و مشورت‌خواهی زنان غیرایرانی با ارقام و اعداد نمایش داده شده، هرکدام از آن ارقام نشان‌گر یک نکته و واقعیتی است. در گروه زنان غیرایرانی نیز، سیندخت، ۱۴، (۱۲/۱۷) و فرنگیس، ۱۴، (۱۲/۱۷)، و منیژه، ۱۲، (۱۰/۴۳)، رودابه با فراوانی ۱۱، (۹/۵۷)، قیدافه، ۱۰، (۸/۷)، کتایون، ۹، (۷/۸۳)، بیش‌ترین فراوانی را در مقوله اعتبار + و بالاترین پای‌گاه اجتماعی دارا بوده‌اند. این خود بیان‌گر این واقعیت است که از میان هر دو گروه زنان ایرانی و غیرایرانی، تعداد آنانی که دارای بیش‌ترین فراوانی و درصد هستند از میان غیرایرانیان است، در حالی که تنها چندتن از ایرانیان دارای فراوانی و درصد بالا بوده‌اند. هم‌چنین در مؤلفه اعتبار - نیز سودابه با فراوانی ۵، (۱۵/۵۶) و مالکه، ۳، (۳۳/۳۳) و منیژه، ۱۲، (۱۰/۴۳) دارای مقام بالاتر بوده‌اند.

حال اگر بطور کلی و بصورت یک جمع‌بندی خواسته باشیم نتایج حاصل از این جداول و ارقام و اعداد را بیان کنیم، بد نیست که این جمع‌بندی را بصورت پاسخ به سؤالات پژوهش مطرح کنیم:

۱- در مجموع، زنان شاه‌نامه (ایرانی - غیرایرانی) از پای‌گاه اجتماعی بالا و مثبت برخوردارند، زیرا ارقام جدول‌ها گویای این واقعیت است که در آن زمان، زنان شاه‌نامه دارای پای‌گاه اجتماعی خوب بوده‌اند و بویژه در مؤلفه اعتبار که مورد محاسبه و بررسی قرار گرفت، نتایج حاصل نشان از اعتبار اجتماعی بالای زنان شاه‌نامه دارد و این خود معرف این مهم است که با وجود جامعه مردسالارانه آن دوران (فردوسی)، زنان شاه‌نامه نه تنها در حاشیه نبوده بلکه از پای‌گاه اجتماعی خوب برخوردار بوده‌اند.

۲- از میان زنانی که در نمونه آماری، حضور داشته‌اند؛ زنان غیرایرانی از پای‌گاه اجتماعی بالاتر نسبت به زنان ایرانی برخوردار بوده‌اند. در میان ایرانیان (زنان ایرانی) زنانی چون، ارنواز، شهرناز، فرانک، شیرین، گردآفرید، گردیه، گلنار، دختر مهرک نوشزاد و همای چهارآزاد، دارای بالاترین پای‌گاه اجتماعی بوده‌اند.

و در گروه غیرایرانی نیز کسانی که بالاترین پای‌گاه اجتماعی را دارا هستند، می‌توان از: تهمینه، جریره، رودابه، سودابه، سیندخت، فرنگیس، قیدافه، کتایون، مریم، نام برد. درست است که تعداد در هر دو گروه یک‌سان است و حتی ارقام و درصد فراوانی زنان ایرانی از اعداد و فراوانی غیرایرانیان بالاتر است، اما در نتایج پایانی که در جدول شماره ۱ نتایج حاصله نشان می‌دهد، غیرایرانیان با فراوانی ۱۲۸، (۵۸/۴۵) نسبت به ایرانیان با فراوانی ۹۱، (۴۱/۵۵) دارای پای‌گاه اجتماعی بالاتر بوده‌اند.

در جدول‌های بعدی به ترتیب شماره (۷،۶،۸) طرح قشربندی آزمودنی‌ها و ملیت‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است، همان‌طور که مشاهده می‌شود:

در جدول شماره ۶: وضعیت پای‌گاه اجتماعی در سه طبقه بالا، متوسط و پایین و ملیت زنان (ایرانی و غیرایرانی) مورد نظر پژوهنده بوده که ارقام جدول حاکی از این است که: تعداد زنانی که در پای‌گاه اجتماعی بالا (گروه اشراف و شاه‌زادگان) قرار دارند، از کل تعداد زنانی که در دو پای‌گاه دیگر، یعنی متوسط و پایین هستند، بیش‌تر است. نکته دیگر این‌که، از بین همین تعداد زنان که در پای‌گاه اجتماعی بالا قرار دارند، بیش‌ترین تعداد را زنان با ملیت غیرایرانی، بخود اختصاص داده‌اند. زنان ایرانی در پای‌گاه اجتماعی بالا ۹ نفر و زنان غیرایرانی در همین پای‌گاه، ۱۵ نفرند.

هم‌چنین این موضوع حاکی از آن است که در میان کل تعداد زنانی که دارای پای‌گاه اجتماعی بالا در گروه اشراف و شاه‌زادگان هستند، بازهم تعداد غیرایرانیان، بیش‌تر است که نشان‌دهنده پای‌گاه اجتماعی بالا و بسیار خوب برای زنان شاه‌نامه با ملیت غیرایرانی است.

در جدول‌های ۷ و ۸ نیز که هر کدام به ترتیب رابطه مقوله اعتبار اجتماعی با ملیت زنان و رابطه مقوله مشورت‌خواهی با ملیت زنان را (به لحاظ فراوانی) مورد سنجش و ارزیابی قرار داده است، بازهم تعداد زنانی که دارای اعتبار اجتماعی مثبت هستند، از تعداد زنانی که دارای اعتبار اجتماعی منفی‌اند، بیش‌تر است و نکته حایز اهمیت‌تر این‌که، در همین موارد نیز تعداد زنان غیرایرانی به نسبت زنان ایرانی، در هر دو مقوله بالاتر است.

یعنی تعداد ایرانیان که دارای اعتبار + هستند، ۱۱ نفر است، در حالی که در زنان غیرایرانی با همین اعتبار این رقم به ۱۴ رسیده است.

تعداد زنانی که هم از اعتبار + و هم از اعتبار اجتماعی - برخوردارند در هر دو ملیت، اندک است و در نهایت نوبت به جدول شماره ۸ می‌رسد:

همان‌طور که نتایج حاصل از این جدول نشان می‌دهد، تعداد زنانی که در مقوله مشورت‌خواهی مورد نظر بوده‌اند، بازهم تعداد غیرایرانیان بیش‌تر از گروه ایرانیان است.

یعنی ۶ نفر دارای وضعیت + مشورت‌خواهی هستند که غیرایرانی بوده و تنها ۴ نفر دارای همین وضعیت با ملیت ایرانی بوده‌اند.

تنها وجه اشتراک زنان ایرانی و غیرایرانی در این جدول: تعداد تساوی آنان در ۲ مورد مشورت‌خواهی - و مشورت‌خواهی در دو بعد + و - است که در هر دو گروه تعدادشان یکسان است.

## بحث و نتیجه‌گیری

گذشته از عظمت مقام ادبی فردوسی، تأثیری که او بر ملیت ایران داشته است با هیچ سخن‌ور و نویسنده‌ای دیگر قابل قیاس نیست. از نظر زبان هم هیچ شکی نیست که شاه‌نامه فردوسی یکی از ارکان مهم بقای زبان فارسی و حفظ اصالت آن بوده است. شاه‌نامه علاوه بر آن که سند ملیت ماست، پشتیبان و حامی زبان و ادب فارسی نیز هست.

هدف اصلی فردوسی، از نظم شاه‌نامه بهم پیوستگی افراد و تیره‌ها و طوایف مختلف نژاد ایرانی بوده است تا بدان وسیله وحدت ملی این قوم را تأمین و زمینه‌تتشکیل یک حکومت مرکزی قادر را پی‌ریزی کند.

شاه‌نامه پس از انتشار در سرتاسر ایران، تأثیری را که منظور اصلی فردوسی بود، در روح و دل ایرانیان به جان‌ها بخشید و بتدریج روح شکست‌خورده این قوم را که از گذشته پر افتخار خود بی‌خبر مانده بودند، نیرو بخشید و موجبات وحدت و یک‌پارچگی را میان تیره‌های مختلف ایرانی فراهم کرد. پس از آمدن اسلام، بیش‌تر کار نویسندگان و شعرای ما در زمینه ادبیات عربی بود.

همان زمان کشورهای چو مصر، عراق و لبنان نیز در تهاجم این فرهنگ و زبان بیگانه قرار داشتند و زبانشان عربی شد، زیرا آنان «فردوسی» نداشتند.

در عصر ساسانی و بخران فرهنگی آن دوران - فردوسی - این شاعر بنام، به هویت و شأن واقعی «زن» به عنوان نیمی دیگر از پیکره اجتماع بها داده، از والایی مقام و ارزش وجودی وی سخن می‌راند.

جالب است که در عصر مردسالارانه آن دوران و هجوم فرهنگ بیگانه عرب و زبان عربی، این مرد بزرگ به هویت ارزشی زن و وجود شایسته آن بخوبی پرداخته و از جای‌گاه و منزلت و موقعیت وی بخوبی و نیکی یاد می‌کند. جالب‌تر این‌که زانی که فردوسی از آنان یاد می‌کند، نه تنها فقط زنان ایرانی هستند، بلکه از زنان دیگر با سایر ملیت‌ها نیز سخن بمیان آورده و از آنان بنیکی یاد کرده است. از آن جمله رودابه کابلی، سیندخت مادر گران‌مایه او، فرنگیس، تهمینه سمنگانی و جریره (مادر فداکار فرود)، قیدافه (پادشاه با درایت و هوشمند اندلس)، منیژه فداکار، کتایون (دختر ایشارگر قیصر روم)، از آنانند که در نظر فردوسی نه تنها این زنان به حاشیه نرفته‌اند، بلکه جزء افسر بانوانی هستند که همیشه و همه جا از آنان و ارزش‌های انسانی آنان به ارج‌مندی و والایی و نیک‌سیرتی یاد می‌شود.

بنابر آن چه گذشت، دیده شد که در جامعهٔ حماسی ایران، زن برای بیان و بازآفرینی واقعیت اجتماعی زمان خویش از زبان شاعر نقش و رسالت بر عهده می‌گیرد و زن بیان و مفهومی کرداری دارد.

۱- در شاهنامه تأکید بر نژاد زنان نیست، بلکه بر ویژگی‌های شخصیتی آنان و چگونگی برخوردشان با فرهنگ و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی ایرانی است.

۲- داستان‌های زنان شاهنامه، در نهایت برای متوجه ساختن جامعه به مقام و منزلتی که زن می‌تواند داشته باشد تلقی گردد.

۳- زن در شاهنامه با همهٔ ویژگی‌های مطلوب و مثبت خود، زنی است مورد پذیرش فرهنگ ایرانی، او سرشار از عاطفه و احساس است، پارسا و پای‌بند به موازین اخلاقی و هنجارهای اجتماعی است، فداکار و ایثارگر است، شجاع و پرتوان، خردمند و با درایت، آزاده و با خوی و منشی مردمی و در نهایت سپاس‌گزار آفریدگار جهان.

۴- زن حق حاکمیت و پادشاهی داشته است که چند نمونه از آن در داستان‌ها مشاهده می‌شود، مانند: آرمیدخت، پوران‌دخت، قیدافه و...»

۵- زن حق مبارزه و جنگیدن در میدان و استفاده از سلاح‌های جنگی را مانند مرد دارا بوده است. «گردآفرید، گردیه و...»

پی‌نوشت‌ها

۱. یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۳.
۲. همان، ۱۴.
۳. مهنذب، ۱۳۷۴: ۱۲.
۴. همان، ۱۳.
۵. راوندی، ۱۳۵۶: ۴۷۱.
۶. مهنذب، ۱۳۷۴: ۱۸.
۷. یزدانی، ۱۳۷۸: ۵۰.
۸. دهباشی، ۱۳۷۰: ۱۲۷.
۹. مهنذب، ۱۳۷۴: ۶.
۱۰. دهباشی، ۱۳۷۰: ۱۲۹.
۱۱. یزدانی، ۱۳۷۸: ص ۵۱.
۱۲. بصری، ۱۳۵۰: ۶-۵.
۱۳. ج ۷، ش ۱-۳، ص ۱۲۱، س ۱۳.
۱۴. ج ۷، ش ۱-۳، ص ۱۳۲، س ۱۴-۱۶.
۱۵. ج ۷، ش ۱-۳، ص ۴۰، س ۷.
۱۶. بصری، ۱۳۵۰: ۲۲-۱۸.
۱۷. ج ۷، ش چاپ روسیه، ص ۴۳۳، س ۲.
۱۸. حریری، ۱۳۶۵: ۱۴.
۱۹. اسلامی ندوشن، ۱۳۸۵: ۱۱۳.

## کتاب‌نامه

۱. اسلامی ندوشن، محمدعلی، زندگی و مرگ پهلوانان در شاه‌نامه، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۵.
۲. بصاری، طلعت، زنان شاه‌نامه، انتشارات دانش‌سرای عالی، چاپ اول، تهران، مرداد ۱۳۵۰.
۳. حریری، ناصر، فردوسی، زن و تراژدی، کتاب‌سرای بابل، چاپ اول، باب ۱۳۶۵.
۴. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران ۱۳۵۶.
۵. رنجبر، احمد، جاذبه‌های فکری فردوسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۹.
۶. مهذب، زهرا، داستان‌های زنان شاه‌نامه، نشر قبله، چاپ اول، تهران، زمستان ۱۳۷۴.
۷. یزدانی، زینب، زن در شعر فارسی، انتشارات فردوسی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸.
۸. یوسفی، فریده، جای‌گاه سیاسی، اجتماعی زنان شاه‌نامه، انتشارات شلفین، چاپ اول، تهران ۱۳۸۲.
۹. مزداپور، کتایون، «نشانه‌های زن سروری در چند ازدواج داستانی شاه‌نامه»، مجله نقد و تحقیق، ش ۲، ۱۳۸۱.
۱۰. «جای‌گاه و منزلت زن در شاه‌نامه فردوسی»، نشریه زن روز، ۱۷۹۸ به نقل از فصل‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ش ۱۰.

11. <http://zanan.iran-emrozz.de/more.php?id=1852>

12. <http://www.fasleno.com/archives/000294.php>

